



بیست و پنجمین سال  
تلاش و بالندگی  
دانشگاه پیام نور  
۱۳۹۳

با توجه به نامه پایگاه استنادی علوم جهان اسلام  
مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۴، بر اساس رتبه‌بندی  
دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی ایران، دانشگاه  
پیام نور با جهشی چشمگیر از رتبه ۲۴ در سال  
۱۳۹۰ به رتبه ۸ در سال ۱۳۹۱ ارتقا یافته است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

## حکمت صدرایی



دانشگاه پیام نور

سال سوم، شماره اول، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

### اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دانشیار دانشگاه پیام نور	دکتر علیرضا اژدر
دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران	دکتر علی افضلی
استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام	دکتر رضا اکبری
دانشیار دانشگاه اصفهان	دکتر سید مهدی امام جمعه
دانشیار دانشگاه الزهرا	دکتر زهره توازیانی
دانشیار دانشگاه قم	دکتر محمد ذبیحی
دانشیار دانشگاه شیراز	دکتر سعید رحیمیان
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس	دکتر محمد سعیدی مهر
دانشیار دانشگاه پیام نور	دکتر محمدعلی عباسیان چالشتری
دانشیار دانشگاه پیام نور	دکتر سید علی علم الهدی
دانشیار دانشگاه تهران	دکتر امیر عباس علیزمانی
استاد دانشگاه علامه طباطبایی	دکتر حسین کلباسی اشتری

### صاحب امتیاز

دانشگاه پیام نور

### مدیر مسئول

دکتر علیرضا اژدر

### سر دبیر

دکتر رضا اکبری

### مدیر داخلی

امیرحسین محمدپور

### ویراستار

زهره فتاحی

### کارشناس نشریه

رضا شکراله بیگی

این مجله براساس مجوز شماره ۹۰/۹۲۷۴ مورخ ۱۳۹۱/۴/۱۵ معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می شود و براساس شماره مجوز چاپ کمیسیون نشریات ۳/۱۸۶۹۱۷ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۲ کمیسیون نشریات علمی کشور، دارای امتیاز علمی - پژوهشی است.

دوفصلنامه علمی - پژوهشی حکمت صدرایی در تارگه [www.SID.ir](http://www.SID.ir) نمایه سازی می شود. نویسندگان محترم می توانند مقالات خود را از این تارگه نیز ارسال نمایند و پژوهشگران ارجمند می توانند متن مقالات را در این پایگاه مشاهده کنند.

تهران - خیابان کریم خان زند - خیابان استاد نجات الهی - چهار راه سپند

پلاک ۲۳۳ - ساختمان دانشگاه پیام نور استان تهران

گروه نشریات - تلفن ۸۸۹۴۰۰۰۶

وب گاه : <http://pms.journals.pnu.ac.ir>

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

# حکمت صدرایی

سال سوم، شماره اول، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

## فهرست مقالات

- مفاهیم اعتباری در حکمت اشراقی و حکمت صدرایی: پژوهشی تطبیقی درباره معقول ثانی از دیدگاه شیخ اشراق و علامه طباطبایی / ۹  
نگارندگان: اسداله آذیر / معصومه سورنی
- تحلیل و بررسی تناسخ ملکوتی در فلسفه ملاصدرا / ۲۵  
نگارنده: سید حسن بطحائی
- مقایسه دیدگاه بیکن و ملاصدرا در مورد موانع شناخت / ۳۹  
نگارندگان: زهره تویزانی / فاطمه ترکاشوند
- نحوه موجودیت ماهیت در فلسفه صدرالمتألهین / ۵۵  
نگارنده: محمد حسین زاده
- جایگاه هستی‌شناختی فیض منبسط در حکمت متعالیه / ۶۹  
نگارندگان: سید مرتضی حسینی شاهرودی / فاطمه استثنایی
- بازخوانی مفاهیم فلسفی در پرتو نظریه وحدت شخصی وجود صدرالمتألهین / ۸۵  
نگارندگان: ابراهیم راستیان / حسین هوشنگی
- بازخوانی نظریه اخلاقی ملاصدرا با تکیه بر «فضیلت‌گرایی» معاصر / ۹۷  
نگارندگان: رضا رضازاده / پریچهر میری
- وجود ذهنی و حقیقت علم؛ تفسیری تجزیه‌گرا از دیدگاه ملاصدرا / ۱۰۹  
نگارنده: محمد سعیدی مهر
- یگانه‌انگاری صدرایی / ۱۲۵  
نگارندگان: رضا صفری کندسری / حسین واله



دانشگاه پیام نور



دانشگاه امام صادق



دانشگاه علامه طباطبائی



مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران



دانشگاه الزهراء



دانشگاه قم



دانشگاه اصفهان

ISSN:

2322-1992

## دستورالعمل تدوین مقاله در مجلات علمی - پژوهشی دانشگاه پیام نور

### شرایط پذیرش مقاله

- محیط Microsoft Word 2003-2007 یا ویرایش‌های بالاتر، و با فاصله ۲ cm از چپ و راست و فاصله ۳ cm از بالا و پایین کاغذ انجام شود.
- ۱۱- دستورهای نقطه‌گذاری در نوشتار متن رعایت شوند. به طور مثال، گذاشتن فاصله قبل از نقطه (.)، کاما (،) و علامت سؤال (؟) لازم نیست، ولی بعد از آن‌ها، درج یک فاصله الزامی است.
- ۱۲- کلیه صفحات مقاله - اعم از متن، شکل، جدول، و تصویر - قطع یکسان و شماره‌گذاری داشته باشد و حداکثر حجم مقاله، همراه با جدول‌ها و نمودارها، بیشتر از ۲۰ صفحه (۶۰۰۰ کلمه) نباشد.
- ۱۳- پس از چاپ مقاله، نسخه‌ای از نشریه حاوی مقاله مورد نظر به تعداد نویسندگان، برای نویسنده مسئول مکاتبات ارسال خواهد شد.
- ۱۴- نحوه ارسال مقاله: ارسال مقاله منحصراً از طریق سامانه الکترونیکی مجله به آدرس ذیل انجام می‌شود. به مقاله‌های ارسال شده از طریق نامه یا پست الکترونیک نشریه، ترتیب اثر داده نخواهد شد:  
<http://pms.journals.pnu.ac.ir>
- ۱۵- مقاله‌های ارسالی باید دارای بخش‌های زیر باشد:
- شناسه مقاله: همراه هر مقاله، اطلاعات ذیل به هر دو زبان فارسی و انگلیسی ارسال خواهد شد:
    - عنوان کامل مقاله به فارسی و انگلیسی
    - نام و نام‌خانوادگی نویسنده/ نویسندگان به ترتیب میزان سهم و نیز مرتبه علمی و محل اشتغال یا تحصیل نویسنده/ نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)
    - نشانی کامل نویسنده مسئول مکاتبات به فارسی و انگلیسی (شامل نشانی پستی، شماره تلفن ثابت، همراه، دورنگار، و نشانی الکترونیکی)
    - مشخص کردن نام مؤسسه تأمین کننده مخارج مالی.
  - صفحه اول: عنوان کامل مقاله به فارسی، عنوان مقاله - که در وسط صفحه اول نوشته می‌شود - باید خلاصه و گویا و بیان کننده موضوع تحقیق باشد؛ و از ۲۰ کلمه تجاوز نکند. از درج اسامی نگارنده(گان) در صفحه اول مقاله اجتناب شود.

- ۱- مقاله‌های ارسالی باید در زمینه تخصصی نشریه و دارای جنبه پژوهشی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان باشد.
- ۲- مقاله‌های برگرفته از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان با نام استاد راهنما، مشاوران و دانشجو و با تأییدیه استاد راهنما و مسئولیت وی منتشر می‌شود.
- ۳- علاوه بر قرار گرفتن موضوع مقاله در دامنه تخصصی مجله، مقاله یا بخشی از آن نباید در هیچ مجله‌ای در داخل یا خارج از کشور در حال بررسی بوده یا منتشر شده باشد، یا هم‌زمان برای سایر نشریه‌ها ارسال نشده باشد. مقالات ارائه شده به صورت خلاصه مقاله در کنگره‌ها، سمپوزیوم‌ها، سمینارهای داخلی و خارجی که چاپ و منتشر شده باشد، می‌تواند در قالب مقاله کامل ارائه شوند.
- ۴- زبان رسمی نشریه فارسی است (با این حال مقاله‌های به زبان انگلیسی نیز قابل بررسی خواهد بود).
- ۵- مقاله‌های ترجمه شده قابل پذیرش نیست.
- ۶- نشریه در ردّ یا قبول، ویرایش، تلخیص یا اصلاح مقاله‌های پذیرش شده آزاد است و از بازگرداندن مقاله‌های دریافتی معذور است.
- ۷- مسئولیت صحت و سقم مطالب مقاله به لحاظ علمی و حقوقی و مسئولیت آراء و نظرات ارائه شده، بر عهده نویسنده مسئول مکاتبات است و چاپ مقاله، به معنی تأیید تمام مطالب آن نیست.
- ۸- مقاله‌های علمی - مروری از نویسندگان مجرب در زمینه‌های تخصصی، در صورتی پذیرفته می‌شود که به منابع معتابهی استناد شده و نوآوری داشته باشند.
- ۹- اصل مقاله‌های ردّ شده یا انصراف داده شده، پس از شش ماه از آرشيو مجله خارج خواهند شد و مجله هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال آن‌ها نخواهد داشت.
- ۱۰- حروفچینی مقاله‌های ارسالی باید در کاغذ A4، دو ستونه، با فاصله تقریبی میان دو ستون و میان سطور ۱ cm، با قلم B Lotus نازک ۱۲، برای متن‌های لاتین با قلم Times New Roman نازک ۱۱ با فاصله تقریبی میان سطور ۱ cm، و برای متن‌های عربی با قلم B Badr 12، با فاصله تقریبی میان سطور ۱ cm، در

- چکیده فارسی: شامل شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسئله، هدف‌ها، روش‌ها و نتیجه‌گیری است. چکیده، در یک پاراگراف و حداکثر در ۲۵۰ کلمه تنظیم شود. در این بخش، نباید از کلمات اختصاری تعریف نشده، جدول، شکل و ارجاع استفاده شود.

- واژگان کلیدی فارسی: (۳ تا ۷ واژه) واژه‌های کلیدی به نحوی تعیین شوند که بتوان از آن‌ها در تهیه فهرست موضوعی (Index) استفاده کرد.

- چکیده انگلیسی (Abstract) و واژگان کلیدی انگلیسی: برگردان کامل عنوان، متن و واژگان کلیدی چکیده فارسی، باید با مقاله همراه باشد.

- لازم است مقاله دارای مقدمه (مشمول بر طرح مسئله، مرور پژوهش‌های انجام شده، روش تحقیق، منطق حاکم بر ترتیب مباحث مقاله) و نتیجه باشد.

- معادل فارسی مفاهیم و نام‌های خارجی در پی‌نوشت ذکر شود.

#### • نحوه ارجاع

- ارجاع مأخذ در متن مقاله، داخل پرانتز به روش APA مشخص شود و در قسمت مراجع، مشخصات کامل منبع به ترتیب حروف الفبا آورده شود. فقط منابع استفاده شده در متن، در فهرست منابع ارائه شوند. منابع باید مستند و معتبر بوده و به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسنده(گان)، با تورفتگی ۱/۵ سانتیمتر برای خطوط دوم و بعد از آن (Hanging) مرتب شوند. ذکر منابع در متن مقاله، با ارجاع به نگارنده(گان) و سال انتشار منبع صورت گیرد. وقتی از چند اثر مختلف یک نویسنده استفاده می‌شود، شماره‌گذاری این منابع به ترتیب سال انتشار آن‌ها (از قدیم به جدید) انجام گیرد. نام مخفف مجلات باید بر اساس نام استاندارد آن‌ها در لیست ISSN - که از طریق آدرس اینترنتی زیر قابل دسترسی است - در فهرست منابع درج شود:

<http://www.nlai.ir>

#### • نحوه ارجاع در داخل متن

- منابعی که یک یا چند نویسنده دارد: (نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان، سال: صفحه)

- منابعی که از نوشته دیگران نقل قول شده است: (نقل از ....، سال: صفحه)

- منابع اینترنتی: (نام خانوادگی نویسنده یا نام فایل .html، تاریخ یا تاریخ دسترسی به روز، ماه، سال)

• نحوه ارجاع در قسمت منابع در پایان مقاله: (توجه: در صورت مشخص نبودن نویسنده، تاریخ نشر یا ناشر از عبارتهای بی‌نام، بی‌تا و بی‌جا استفاده شود.)

- کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده/ نویسندگان. (سال انتشار). عنوان کتاب. محل نشر: ناشر. نوبت ویرایش یا چاپ.

○ کتابی که به جای مؤلف، با عنوان سازمان‌ها یا نهادها منتشر شده است: نام سازمان یا نهاد. (سال انتشار). عنوان کتاب. محل نشر: مؤلف. نوبت ویرایش یا چاپ.

○ فصلی از یک کتاب یا مقاله‌ای از یک مجموعه مقاله که به وسیله افراد مختلف نوشته شده اما مؤسسه یا افراد معینی آن را گردآوری و به چاپ رسانده‌اند: نام نویسنده/ نویسندگان. (سال انتشار). عنوان مقاله. نام گردآورنده. نام مجموعه مقالات، شماره صفحات درج فصل کتاب یا مقاله. محل نشر: ناشر.

○ کتابی که مؤلف خاصی ندارد: عنوان کتاب. (سال انتشار). محل نشر: ناشر. نوبت ویرایش یا چاپ.

○ کتاب ترجمه شده: نام خانوادگی، نام نویسنده/ نویسندگان. (سال ترجمه). عنوان کتاب به فارسی. نام و نام خانوادگی مترجم. محل نشر: ناشر.

○ پایان‌نامه: نام خانوادگی نگارنده پایان‌نامه، نام. (سال). عنوان. ذکر پایان‌نامه بودن منبع. دانشگاه.

- مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده/ نویسندگان (سال). عنوان مقاله، نام نشریه. صاحب امتیاز، سال، دوره یا شماره، شماره صفحات درج مقاله.

■ مقاله‌های چاپ شده در روزنامه‌ها: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال، روز، ماه). عنوان مقاله؛ نام روزنامه، شماره صفحه.

■ مقاله ترجمه شده: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال). عنوان مقاله، (نام و نام خانوادگی مترجم با ذکر عنوان مترجم). نام نشریه/ی که مقاله ترجمه شده در آن درج شده. صاحب امتیاز، سال، دوره یا شماره، شماره صفحات.

• منابع قابل دسترس از طریق شبکه جهانی وب یا منابع الکترونیکی

◆ کتاب و مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام نویسنده. عنوان کتاب. محل نشر: ناشر، تاریخ

انتشار. تاریخ آخرین ویرایش در صورت وجود؛  
[نوع رسانه: ... On Line, DVD], [تاریخ  
مشاهده].

♦ کتاب و مجموعه مقالات بر روی لوح فشرده:  
نام خانوادگی، نام نویسنده. عنوان کتاب. [CD-  
ROM] محل نشر: ناشر، تاریخ انتشار.

♦ فایل صوتی: نام خانوادگی، نام صاحب فایل. «نام  
فایل» [Sound File]. [ذکر فرمت فایل]. [On  
Line, ...]. [تاریخ مشاهده].

♦ پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام نویسنده. «عنوان پایان  
نامه»، مقطع تحصیلی و رشته، نام دانشکده،  
دانشگاه، سال دفاع. [نوع رسانه: ... On Line],  
[تاریخ مشاهده].

♦ فایل تصویری: نام خانوادگی، نام صاحب فایل.  
«نام فایل» [Image File]. [ذکر فرمت فایل].  
[On Line, ...]. [تاریخ مشاهده].

♦ چکیده مقالات: نام خانوادگی، نام نویسنده.  
«عنوان مقاله». [ذکر واژه چکیده]. نام مجله،  
دوره، شماره، ماه، سال: شماره صفحه (در  
صورت وجود). [نوع رسانه: ... On Line],  
[تاریخ مشاهده].

♦ فایل ویدئویی: «نام فایل» [Video File]. [ذکر  
فرمت فایل]. [On Line, ...]. [نشانی دسترسی].  
[تاریخ مشاهده].

♦ مقاله کنفرانس یا سمینار: نام خانوادگی، نام  
نویسنده. «عنوان مقاله». عنوان سمینار یا همایش  
(محل و تاریخ برگزاری روز، ماه، سال). تاریخ  
انتشار یا آخرین ویرایش: شماره صفحه (در  
صورت وجود). [نوع رسانه: ... On Line],  
[تاریخ مشاهده].

♦ پست الکترونیک: نام خانوادگی، نام فرستنده نامه.  
(نشانی الکترونیکی فرستنده). تاریخ ارسال نامه به  
روز، ماه، سال. «موضوع نامه». نام و نام خانوادگی  
گیرنده نامه (نشانی الکترونیکی گیرنده).

♦ مقاله کنفرانس یا سمینار: نام خانوادگی، نام  
نویسنده. «عنوان مقاله». عنوان سمینار یا همایش  
(محل و تاریخ برگزاری روز، ماه، سال). تاریخ  
انتشار یا آخرین ویرایش: شماره صفحه (در  
صورت وجود). [نوع رسانه: ... On Line],  
[تاریخ مشاهده].

۱۶- مقالاتی که بر اساس مندرجات این راهنما تهیه نشده  
و مطابقت نداشته باشند، بررسی نخواهند شد.

♦ مقاله‌های قابل دسترس از طریق سایت‌ها یا  
صفحات خانگی: نام خانوادگی، نام نویسنده.  
«عنوان مقاله». نام سایت یا صفحه خانگی. تاریخ  
انتشار یا آخرین روزآمد شدن [On Line, ...],  
[تاریخ مشاهده].

۱۷- مسئولیت هر مقاله از نظر علمی، ترتیب اسامی و  
پیگیری، به عهده نویسنده مسئول آن خواهد بود.  
نویسنده مسئول باید تعهدنامه ارسال مقاله را از  
سایت دانلود و پس از اخذ امضای تمامی  
نویسندگان، به دبیرخانه مجله ارسال نماید.

♦ مقاله‌های مجلات الکترونیکی: نام خانوادگی، نام  
نویسنده. «عنوان مقاله». نام مجله، دوره، شماره،  
ماه، سال: شماره صفحه [On Line, ...], [تاریخ  
مشاهده].

۱۸- تعداد و ردیف نویسندگان مقاله، به همان صورتی  
که در نسخه اولیه و زمان ارائه به دفتر مجله  
مشخص شده، مورد قبول است و تقاضای حذف یا  
تغییر در ترتیب اسامی نویسندگان، فقط قبل از  
داوری نهایی و با درخواست کتبی تمامی  
نویسندگان و اعلام دلیل قابل بررسی است.

♦ مقاله‌های مجلات الکترونیکی بر روی لوح  
فشرده: نام خانوادگی، نام نویسنده. «عنوان مقاله».  
نام مجله، [CD-ROM] دوره، شماره، ماه، سال:  
شماره صفحه (در صورت وجود).

۱۹- مقالات توسط هیأت تحریریه و با همکاری هیأت  
داوران ارزیابی شده و در صورت تصویب، طبق  
ضوابط مجله در نوبت چاپ قرار خواهند گرفت.  
هیأت تحریریه و داوران مجله، در ردّ یا قبول،  
اصلاح مقالات و بررسی هر گونه درخواست  
نویسنده (گان)، دارای اختیار کامل می‌باشند.

♦ اطلاعات متعلق به شخصی خاص: نام  
خانوادگی، نام صاحب صفحه اصلی. [ذکر واژه  
صفحه اصلی ... Homepage]. [نوع رسانه: On  
Line, ...]. [تاریخ مشاهده].

۲۰- گواهی پذیرش مقاله، پس از اتمام مراحل داوری  
و ویراستاری و تصویب نهایی هیأت تحریریه،  
توسط سردبیر مجله صادر شده و به اطلاع نویسنده  
مسئول خواهد رسید.

♦ اطلاعات متعلق به سازمان یا نهادی خاص:  
عنوان سایت. [ذکر واژه صفحه اصلی





## بازخوانی نظریه اخلاقی ملاصدرا با تکیه بر «فضیلت‌گرایی» معاصر

### Rereading Mulla Sadra's Ethical Theory on the Basis of Contemporary "Virtue Ethics"

Reza Rezazadeh\*

Parichehr Miri\*\*

رضا رضازاده\*

پریچهر میری\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱

#### Abstract

The concern of attaining the moral truth and action was important for Mulla Sadra. The goal of this article is to investigate and evaluate the correspondence between his ethical theory and the contemporary Virtue Ethics. The analysis of the features of Virtue Ethics on the one hand and exploring Mulla Sadra's ethical theory on the other, demonstrates that Virtue Ethics is dominant in his moral paradigms. In this paper, amongst the pieces of evidence which are accessible in his works, I have considered some factors that work as an argument for Virtue Ethics. First, like other virtue ethicists, Mulla Sadra considers virtue as the ultimate goal of human being. Secondly, he emphasizes "being" rather than mere activity. Thirdly, according to him, virtue is worthy in itself. Besides, he does not restrict the ethical life to the mere rational rules. For him, the moral exemplars are the true models for a virtuous life. Furthermore, it is necessary for achieving an ethical life to develop virtues both in mental states and in corporal actions.

**KeyWords:** MullaSadra, Virtue ethics, Moral Agent.

#### چکیده

دغدغه وصول به حقیقت و عمل اخلاقی برای ملاصدرا مهم شمرده شده است. هدف این مقاله سنجش چگونگی انطباق نظریه اخلاقی این فیلسوف با «فضیلت‌گرایی» است. بررسی و سنجش هر یک از مؤلفه‌های «اخلاق فضیلت» با تکیه بر شواهد مندرج در آثار وی انطباق دیدگاهش بر نظریه «فضیلت‌گرایی» را تقویت و اثبات می‌کند. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که الف) ملاصدرا، همچون فضیلت‌گرایان، فضیلت را مقصد نهایی و کمال آدمی می‌داند؛ ب) بیشتر بر اهمیت و نقش «بودن» پای می‌فشارد تا عمل صرف؛ ج) برای او فضیلت ارزش فی‌نفسه دارد؛ د) وی حیات اخلاقی را در چارچوب قواعد عقلانی محصور و محبوس نمی‌کند؛ ه) برای او الگوها و اسوه‌های اخلاقی مدل حقیقی برای طراحی زندگی مبتنی بر فضیلت‌اند؛ و) سرانجام برای دستیابی به حیات مطلوب اخلاقی بایستی فضائل را هم در عرصه حالات درونی و هم در اعمال بیرونی محقق کرد.

**واژگان کلیدی:** ملاصدرا، فضیلت‌گرایی، انسان اخلاقی.

\* Assistant Professor, Ilam University, Department of Islamic Philosophy and Kalam, rezakashany@gmail.com

\*\* M.A. in Islamic Philosophy and Kalam, Ilam University, so\_miri@yahoo.com

\* استادیار دانشگاه ایلام، گروه فلسفه و کلام اسلامی

\*\* دانش‌آموخته فلسفه و کلام اسلامی (کارشناس ارشد)، دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)

## مقدمه

از ملاصدرا (۹۷۹-۱۰۵۰ ق) معمولاً به عنوان فیلسوفی شاخص و تأثیرگذار یاد می‌شود. دغدغه و وصول به حقیقت و عمل اخلاقی در زندگی و آثار مکتوب این فیلسوف برجسته نشان دیگری است از درخشش تفکرش. ثمره چنین دغدغه‌ای نظورری وی در حوزه اخلاق بوده است. به همین جهت، به نظر می‌رسد کاوش درباره نظریه اخلاقی او امری بایسته و نتایج مفیدی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در پی داشته باشد.

نظریه اخلاقی ملاصدرا در مقایسه با هر یک از نظریات مشهور و رایج در دوره معاصر، یعنی غایت‌گرایی و وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی، با «فضیلت‌گرایی» قرابت بیشتری دارد. پیش از این، رضا اکبری (اکبری، ۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «جایگاه مبانی فلسفی ملاصدرا در تبیین فضیلت‌گرایی در خانواده» درصدد اثبات ارجحیت رویکرد فضیلت‌گرایی صدرا با تکیه بر مبانی فلسفی وی برآمده و خواسته است تا نقش، تأثیر و کاربست آن را در مناسبات خانوادگی نشان دهد، اما جالب این‌که گذشته از این روش، از راه تأمل در مؤلفه‌های فضیلت‌گرایی که آن را از نظریه‌های بدیل متمایز می‌کند از یک سو، و کاوش در شواهد متنی آثار ملاصدرا از سوی دیگر، می‌توان بر اثبات این مدعا همت گماشت. بنابراین، به‌رغم مشابهت این جستار با مقاله مذکور در هدف، این دو از نظر روشی با هم متفاوت‌اند. به بیان دیگر، در این‌جا به طور مشخص اثبات فضیلت‌گرایی صدرا بر اساس گردآوری و استنادجویی به مؤلفه‌های آن از لابه‌لای آثار صدرا منظور نظر است، در حالی که اثر پیش‌گفته تأثیر و کاربست مضمون صدرایی این نظریه را در خانواده مدنظر قرار داده است.

به هر روی، برای یافتن شواهدی در تأیید مدعای خود نخست، مضمون نظریات اخلاقی را

به اختصار تمام و در مقایسه با هم مرور می‌کنیم، تا مدخلی باشد بر اصل مبحث. سپس، با توجه به مؤلفه‌های شش‌گانه اخلاق فضیلت‌گرا، خواهیم کوشید غلبه فضیلت‌گرایی را در اندیشه ملاصدرا با تکیه بر مستندات آشکار و نهفته در آثار وی نشان دهیم.

## ۱- درنگی در مهم‌ترین نظریه‌های اخلاقی

نظریه‌های اخلاقی در متون و منابع رایج در حوزه فلسفه اخلاق معمولاً در دو دسته عام معرفی شده‌اند که می‌توان آن‌ها را به ترتیب رویکرد مسئله‌محور و رویکرد فضیلت‌محور نام نهاد. رویکرد مسئله‌محور خود دو کلان نظریه غایت‌گرایی (teleologism) و وظیفه‌گرایی (deontologism) را شامل می‌شود.

غایت‌گرایان معتقدند معیار خوب یا بد بودن یک فعل وابسته به لوازم و نتایج عمل است. به عبارت دیگر، از نظر غایت‌گرایان ملاک نهایی خوب یا بد بودن افعال در اموری نهفته است که لوازم عمل‌اند، مانند لذت، قدرت، معرفت، تحقق ذات و کمال. در غایت‌گرایی، که گاهی از آن تعبیر به نتیجه‌گرایی هم می‌شود، درباره این‌که نتیجه برای چه کسی حاصل شود دو دیدگاه مطرح شده است: الف) خودگرایی (egoism) که بر اساس آن، نتیجه فعل بیشترین خیر را برای خود فرد به منزله فاعل اخلاقی تأمین می‌کند. این نظر مورد اعتقاد برخی چون اپیکور، هابز و نیچه بوده است؛ ب) دیگرگرایی (altruism) که مطابق آن، نتیجه فعل بیشترین خیر همگانی را شامل می‌شود (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۵-۴۶). البته شایان ذکر است که بینکافس خصیصه ممیز دیگرگرایی را در ربطش به امور بیرونی یا به ابعاد مشهود رفتار انسان می‌داند، در حالی که خودگرایی به رفتار درونی و خصوصی فرد ارجاع می‌یابد (بینکافس، ۱۳۸۲: ۲۵۱).

پدیدآمده برای انسان را در اولویت قرار می‌دهد. بدین ترتیب، افعال در صورتی متّصف به خوبی یا بدی می‌شوند که در حال درونی فرد (= فضیلت) تأثیراتی ایجاد کنند و کسی که این حال درونی را داشته باشد فعلش از لحاظ اخلاقی خوب تلقی می‌شود. در این صورت، دو انسانی که فعل ظاهری آن‌ها مشابه باشد، اما ساحات درونی‌شان شبیه به هم نباشد از لحاظ اخلاقی تفاوت دارند (Swanton, 2003: 238). از ارسطو معمولاً به عنوان برجسته‌ترین نماینده «اخلاق فضیلت» نام برده می‌شود. با توجه به مسئله اصلی این جستار، در ادامه، مفاد این نظریه را با تفصیل و دقت بیشتری بررسی می‌کنیم.

اگر قرار باشد مؤلفه‌های اساسی اخلاق فضیلت را با توجه به ویژگی‌هایش برشماریم، به این موارد می‌توان اشاره کرد: «غایت‌گرا» بودن، تأکید بر «فاعل» به جای فعل، ارزش ذاتی «فضیلت»، «تقدم فضیلت بر الزام و تأثیر آن در معرفت»، اهمیت «قدیس اخلاقی» و نقش برجسته «نیت و انگیزه» (به منزله ساحات درونی) (خزاعی، ۱۳۸۰: ۵۷-۵۰). این موارد را به طور مختصر چنین می‌توان توضیح داد:

الف) اخلاق فضیلت نوعی نظریه هنجاری از نوع غایت‌گرایانه است؛ غایت‌گرایی در این جا یکی از مؤلفه‌های اخلاق فضیلت‌گرا به شمار می‌آید، نه نظریه‌ای کاملاً مستقل که در برابر آن قرار گیرد. از نظر ارسطو غایت مهم‌ترین موضوع و معتبرترین علوم و دانش‌هاست. او از این غایت که همگان به سوی آن در حرکت‌اند تعبیر به «خیر» می‌کند و بر این باور است که انسان فقط در صورتی می‌تواند به غایت مطلوب خود دست یابد که افعال او فضیلت‌مندانه باشد (ارسطو، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۴).

ب) نقطه کانونی اخلاق فضیلت «عامل» فعل اخلاقی است، نه صورت عمل و نتایج آن. در

وظیفه‌گروان در مقابل معتقدند خوب یا بد بودن فعل از خصوصیت ذاتی خود فعل برمی‌خیزد و نمی‌باید لوازم و نتایج فعل را ملاک و معیار اخلاقی بودن یا اخلاقی نبودن آن دانست. در وظیفه‌گرایی دو دیدگاه عمل‌محور (act-deontology) و قاعده‌نگر (rule-deontology) مطرح است؛ بر اساس نظریه وظیفه‌گرایی عمل‌محور، همه احکام اخلاقی جزئی محض‌اند و احکام کلی غیر قابل دسترس‌اند. بدین ترتیب، با مراجعه به وجدان و شهود و بدون توجه به هر گونه اصل کلی حاکم تشخیص می‌دهیم که چه فعلی خوب و چه فعلی بد است؛ این دسته معتقد به شهودگرایی (intuitionism) در اخلاق‌اند. در وظیفه‌گرایی قاعده‌نگر، وظایف در قالب یک حکم کلی الزامی بیان می‌شود، مانند این قاعده که «همیشه باید راست گفت». در نتیجه، این قاعده کلی باید مبنای رفتار همگان باشد. در واقع، این دسته از فیلسوفان معتقدند احکام مربوط به اعمال و امور جزئی را باید در پرتو این قواعد تعیین کرد (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۷-۵۲).

این دو نظریه با مشکلاتی مواجه‌اند از جمله: بی‌توجهی به ویژگی‌ها و ساحات درونی در مقام عمل به فعل اخلاقی؛ تقلیل دادن قواعد اخلاقی به یک اصل یا قاعده (همچون وظیفه یا احساس مسئولیت)؛ بی‌توجهی به تهذیب نفس در رویارویی با مشکلات و نیز بی‌توجهی به هویت شخصی و فردی (پینکافس، ۱۳۸۲: ۱۲۰-۱۲۸).

## ۲- مؤلفه‌های اساسی فضیلت‌گرایی

ارزش اخلاقی در نظر فضیلت‌گرایان متعلق به احوال قلبی و درونی فرد است. فضیلت‌گرایی (virtueethics) برخلاف دیگر نظریات اخلاقی، از جمله وظیفه‌گرایی (deontology) و نتیجه‌گرایی (consequentialism)، فضیلت را محور قرار می‌دهد و حال درونی مطلوب

دهد. بر این اساس، اخلاق فضیلت از حیث معرفت‌شناسی احکام اخلاقی با دو نظریه قبل تفاوت دارد.

به اتکای چنین نگاهی، انسان اخلاقی در سیر تکاملی‌اش به سوی خیر اعلی و غایت‌نهایی فهم درستی از هدف پژوهش خویش به دست می‌آورد و در این مسیر به خویش‌شناسی معرفت پیدا می‌کند و همین امر مقدمات لازم را برای او در درک بهتر خیر و فضیلت فراهم می‌آورد. بنابراین، فضائل برای انسان اخلاقی، ملکاتی است که نه تنها موجب تحقق و بقای عمل و خیرهای درونی می‌شود، بلکه او را قادر می‌کند تا با غلبه بر مخاطراتی که با آن‌ها مواجه است معرفت رو به افزایش از نفس خیر به دست آورد (شهریاری، ۱۳۸۵: ۳۹۲).

ه) در اخلاق فضیلت‌الگوهای اخلاقی جایگاه مهمی دارند؛ اسوه‌ها و الگوهای اخلاقی کسانی‌اند که فضائل و ملکات خود را پرورش داده‌اند و از آن رو که اعمال آن‌ها برخاسته از فضائل درونی‌شان است، مورد توجه برخی فیلسوفان اخلاق واقع شده‌اند. به گفته فرانکنا (۱۹۰۸-۱۹۹۴ م) اسوه‌های اخلاقی مقومات اخلاق‌اند؛ این اسوه‌ها شیوه‌هایی برای «بودن»‌اند نه برای «انجام‌دادن». به همین دلیل، مثلاً استفاده از اسوه‌هایی مانند سقراط و عیسی (ع) و محمد (ص) بخش مهمی از تعلیم و تربیت اخلاقی را به خود اختصاص داده‌اند. هدف از داشتن اسوه اخلاقی این است که فرد ویژگی‌های اخلاقی را در خود تا حد اعلای کمال پرورش دهد تا همچون اسوه خویش شود.

فضیلت‌گرایان معتقدند که الگوهای اخلاقی بیشتر به ما آموخته‌اند و ما را اخلاقی کرده‌اند. به همین سبب، شایسته است که انسان اخلاقی نقش برجسته و تأثیرگذار الگوی اخلاقی (استاد) را در خود و برای نیل به مقصودش بپذیرد تا از دست‌یابی به خیرهای درونی باز نماند (همان: ۳۸۴).

اخلاق وظیفه و نتیجه، یگانه پرسش اخلاق این است که چه چیزی به عمل ارزش اخلاقی می‌دهد، در حالی که در اخلاق فضیلت از چگونگی زیستن سؤال می‌شود و پرسش اساسی این است که چه چیزی به انسان ارزش اخلاقی می‌دهد (Hoof, 2006: 11). از این منظر، پر بیراه نیست که فضیلت‌گرایان معتقد شوند «عامل» باید توجه خود را بر پرورش فضائل خود و دیگران متمرکز کند (مرداک، ۱۳۸۷: ۲۷-۲۸).

ج) فضیلت نه تنها شرط لازم دستیابی به سعادت است، بلکه شرط کافی نیز هست (هولمز، ۱۳۸۵: ۱۱۵-۱۱۷). در این نظریه، فضیلت نه تنها به منزله عامل مهمی برای رسیدن به سعادت ارزشمند است، بلکه ارزش ذاتی هم دارد. این در حالی است که در نظریات غایت‌گرایی و وظیفه‌گرایی، فضیلت از اهمیت ثانوی برخوردار است و وسیله و ابزار لحاظ می‌شود. در این نظریات فضیلت بخشی از سعادت است، حال آن‌که در اخلاق فضیلت، مثلاً عدالت که یکی از فضائل است، فی‌نفسه ارزشمند است و حتی اگر افراد عادلانه رفتار نکنند، از ارزش ذاتی آن ذره‌ای کاسته نمی‌شود.

از نظر ارسطو فضائل اوصافی برای زیستن فضیلت‌مندانه‌اند، اما این امر بدین معنا نیست که فضائل را اموری بیرونی تلقی کنیم، بلکه سعادت فعالیت مطابق با بهترین فضیلت است (خزاعی، ۱۳۸۰: ۵۲).

د) در اخلاق فضیلت، «انسان اخلاقی» به واسطه بهره‌مندی از فضیلت حکمت دست به صدور احکام اخلاقی می‌زند و تصمیم می‌گیرد که در شرایط مختلف یک فعل را چگونه انجام دهد (Hoof, 2006: 9-11). در حالی که نظریات وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی قائل به تقدم قواعد بر فضیلت‌اند. و از این رو فاعل مجموعه‌ای از قوانین انتزاعی و کلی را در اختیار دارد و بر اساس آن‌ها تعیین می‌کند که چه کاری را باید یا نباید انجام

نیست (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۲۴۲). واضح است که به نظر ملاصدرا این غایت والاترین کمال و فضیلتی است که آدمی می‌تواند به دست آورد، چراکه خداشناسی بنیاد اخلاق است. از این‌رو، بدون پذیرش وجود خدا نه انسانیت معنا می‌یابد و نه نیک‌بودن. «حس اخلاقی» چیزی جز «حس خداشناسی» نیست. این احساس در سرشت انسان نهفته است و ریشه در وجدان آدمی دارد، اما فضائل دیگری هم وجود دارد که در مسیر زندگی او تحقق می‌یابد. در این چارچوب، سعادت انسان به تناسبِ ساحت‌های وجودی او دارای مراتب متعددی می‌شود.

ملاصدرا در برابر سعادت حسی که با نقص و نارسایی همراه است از سعادت حقیقی سخن می‌گوید که شامل سعادت متوسطان، صالحان و مقربان کامل می‌شود. در این مرتبه، کمال خاصّ نفس ناطقه در آن است که با عقل فعال کلی اتحاد یابد و صورت تمام موجودات را تصور کند تا خود جهانی عقلی شود. از این‌رو، وی معتقد است که قوه عاقله باید برای دستیابی به این مرتبه که برترین مرتبه سعادت است در کسب معارف والا بکوشد (همو، ۱۳۸۶: ۲/۹۴۶-۹۵۲؛ همو، ۱۳۸۲: ۲۹۰). روشن است که این نوع از کمال (فضیلت) در ساحت نظری انسان تحقق می‌یابد.

ملاصدرا در تقسیم‌ی دیگر از دو مرتبه سعادت اخروی و سعادت دنیوی سخن به میان می‌آورد که هر کدام از آن‌ها نیز اقسامی دارند. او برای نمونه سعادت دنیوی را شامل سعادت دنیوی بدنی همچون سلامت جسمانی و یا سعادت‌مندی در ظاهر زندگی دنیوی مانند توانمندی کسب اسباب معاش می‌داند. او زیبایی را نیز هم‌بند سعادت دنیوی به حساب می‌آورد. سعادت اخروی شامل سعادت علمی است، مانند کسب معارف و حقایق و سعادت عملی که به معنای بندگی الهی است. کسب فضائل و اخلاق زیبا نیز

و در اخلاق فضیلت «نیت و انگیزه» به منزله روح عمل حائز اهمیت است و نه تنها کم‌ارزش‌تر از وجهه ظاهری عمل نیست، بلکه در بسیاری از موارد اهمیتش بسیار بیشتر است (مرداک، ۱۳۸۷: ۴۰). حیات اخلاقی انسان منحصر به احکام و اعمال ظاهری نیست، بلکه سجایای اخلاقی، انگیزه‌ها، عواطف، عادات، ملکات، عشق و نفرت هم وجود دارد و در قالب آن‌ها حکم به درستی یا نادرستی اعمال می‌شود. بدین ترتیب، همه اعمال فضیلت‌مندانه امتیاز خود را از انگیزه‌های فضیلت‌مندانه می‌گیرند. در این بین و در زمان تحسین یک کار، فقط انگیزه‌های موجد آن کار در نظر می‌آیند و صورت بیرونی فعل هیچ‌گونه امتیازی ندارد (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۱۴۱).

اگر مجموعه مؤلفه‌های بالا را شاخصی برای سنجش فضیلت‌مداری یک نظام اخلاقی بتوان محسوب کرد، آن‌گاه راحت‌تر می‌توان نظریه اخلاقی ملاصدرا را سنجید. این همان کاری است که بخش تکمیلی این نوشتار را صورت می‌بخشد.

### ۳- مؤلفه‌های فضیلت‌گرایی در نظام اندیشه

#### صدرایی

#### ۳-۱- غایتمندی

یکی از مسائل مهم اخلاق فلسفی اسلام نگرش آن به سعادت آدمی است. از منظر ملاصدرا انسان مانند همه موجودات دارای غایتی است که به سوی آن در حرکت است و همه افعال خود را در جهت رسیدن به آن سامان می‌دهد؛ ملاصدرا، چنان‌که در ادامه نشان داده خواهد شد، می‌کوشد تا بر اساس فضیلت‌گرایی غایتمندی نفس انسان را در افعالش تبیین کند. صدرا از این غایت تعبیر به سعادت می‌کند.

به باور وی، سعادت هر موجود عبارت است از رسیدنش به کمال و کمال انسان در این میان جز سیر صعودی به سوی وجود مطلق (خدا)

در چارچوب سعادت اخروی جای می‌گیرد. بیان صدرا چنین است:

«سعادت بر دو نوع است: دنیوی و اخروی. سعادت دنیوی دو قسم است: سعادت بدنی مانند تندرستی و سلامت، زورمندی و شهامت است و سعادت ظاهری چون فراهم‌بودن اسباب زندگی و مال. سعادت اخروی نیز دو قسم است: سعادت علمی مانند کسب معارف و حقایق و سعادت عملی همچون عبودیت. و منزلت اول بهشت از آن مقربین است و منزلت دوم آن از برای اصحاب یمین. و همان گونه که خیر و زیبایی از جمله آثار سعادت دنیوی است، پس فضائل و اخلاق نیک هم از آثار سعادت اخروی است» (همو، ۱۳۶۶: ۶/ ۲۶۶-۲۶۸).

ملاصدرا در کتاب کسراصنام جاهلی از سعادت علمی اخروی به «معرفت خداوند متعال» تعبیر می‌کند و آن را غایتی می‌داند که به خودی خود مطلوب است (همو، ۱۳۸۱ ب: ۷۵). او غرض از آفرینش را شناخت وجود آفریدگار و فیض او می‌داند که هر ناقصی را به کمال خود می‌رساند: ماده را به صورت خود، صورت را به معنا و نفس را به درجه عقل و روح؛ این مقام که مقصد نهایی و هدف اصلی از برپاساختن زمین و آسمان‌هاست همان جایی است که راحتی و آرامش حقیقی و بهترین نیکی‌ها برقرار است (همو، ۱۳۶۴: ۴۸).

تحلیل ملاصدرا در باب غایت اصلی و فرعی انسان در زندگی بیان‌گر این است که او فضیلت را مقصد و مقصود کمال آدمی می‌داند. هرچند از این منظر مصداق فضیلت در حوزه نظر و عمل متفاوت می‌شود، اما به نظر می‌رسد وی بر معرفت انسان به خدا و شوقش به سوی او به منزله والاترین مرتبه فضیلت برای انسان تأکید می‌ورزد. چون خدا در نظام اندیشه او محوریت دارد (همو، ۱۳۸۱ د: ۱/ ۲۴۵). علاوه بر این، او برای وصول

به غایت حقیقی زندگی، محوریت عقل برای کسب جمیع فضائل را جدی و بی‌بدیل تلقی می‌کند (همان: ۲۴۲ و بعد).

### ۳-۲- تأکید بر «بودن» به جای «عمل»

پیش‌تر گفته شد که در اخلاق فضیلت «چگونه زیستن و شیوه‌های بودن» مهم شمرده می‌شود. در نظریه اخلاقی ملاصدرا زمینه‌هایی وجود دارد که نزدیکی دیدگاهش را به این مؤلفه هویدا می‌کند اگر نگوییم کاملاً منطبق؛ ملاصدرا در پاسخ به این سؤال که «چه زندگی‌ای خوب یا دارای ارزش اخلاقی است؟» با ظرافت ویژه‌ای از اهمیت عشق سخن می‌گوید. او معتقد است:

«و نحن نشاهد ترتب هذه الغايات التي ذكرناها فلامحاله يكون وجود هذا العشق في الانسان معدوداً من جمله الفضائل و المحسنات لامن جمله الرذائل و السيئات و لعمرى إن هذا العشق يترك النفس فارغه عن جميع الهموم الدنياويه إلا همّ واحد فمن حيث يجعل الهموم همّاً واحداً هو الاشتياق إلى رؤيه جمال إنسانی فيه كثر من آثار جمال الله و جلاله...» (همو، ۱۴۱۰: ۷/ ۱۷۳-۱۷۴).

ملاصدرا عشق را در یک انقسام به سه قسمت تقسیم می‌کند: (۱) عشق اکبر؛ (۲) عشق اوسط؛ (۳) عشق اصغر. عشق اکبر عشق حق تعالی است که مخصوص متألّهین است که به فنای کلی رسیده‌اند. عشق اوسط برای علمایی حاصل می‌شود که در خلقت آسمان‌ها و زمین تدبّر می‌کنند. عشق اصغر عشق انسان صغیر است؛ زیرا نمونه‌ای از کل عالم کبیر است و کل عالم کتاب جامع حق تعالی است و تصنیف ذات حق تعالی است که در آن کمالات الهی خود را آشکار کرده است و- کتاب انسان- مجموعه مختصری است که آیات کتاب مبین در او جمع است.

ملاصدرا درباره عشق ظرفاً به زیبارویان در جلد هفت *سفار* نوشته است که فلاسفه در این مسئله اختلاف کرده‌اند که آیا این نوع عشق خوب و ممدوح است یا زشت و ناپسند؟ چنان‌که برخی آن را مذمت کرده و برخی آن را خوب دانسته‌اند. بعضی آن را از رذائل می‌دانند و بعضی از فضائل می‌شمارند. برخی آن را مرض نفسانی و عده‌ای هم آن را جنون الهی خوانده‌اند. وی معتقد است کسانی که عشق را مرض نفسانی دانسته‌اند به علت عوارضی است که عاشق را مبتلا می‌کند از قبیل بی‌خوابی، لاغری، آشفتگی، پژمردگی، گودرفتن چشم‌ها، رنگ‌پریدگی و تغییر ضربان نبض و قلب. آنان که عشق را جنون الهی می‌پنداشتند به این علت بود که دارویی برای معالجه آن نمی‌یافتند و حکمای یونان شفای آن را در دعا و نیایش و صدقه و عبادت می‌دیدند (همان: ۱۷۳-۱۷۴).

می‌توان در توضیح این مؤلفه گام را فراتر نهاد و پرسش را عمیق‌تر و بدین‌گونه مطرح کرد که چه عشقی خوب یا دارای ارزش اخلاقی است؟ به عبارت بهتر چه چیزی می‌تواند شایسته سرشارترین و ژرف‌ترین عشق‌ها باشد؟ ملاصدرا در رویکردی فلسفی و عرفانی همه هستی را عاشق خدا تلقی می‌کند و درصدد تبیین این مدعا برمی‌آید. او در این باره چنین می‌نویسد: «إن المعشوق الحقيقي لجميع الموجودات و إن كان شيئاً واحداً في المأل و هو نيل الخير المطلق و الجمال الأكمل، إلا إن لكل واحد من أصناف الموجودات معشوقاً خاصاً قريباً يتوسل بعشقه إلى ذلك المعشوق العام» (همان: ۱۶۰).

از تأکید صدرا بر عشق می‌توان تأکید او را بر «بودن» استنتاج کرد، زیرا یکی از تجربه‌های زندگی روزانه ما عشق است و عشق از مقوله بودن است. عشق یک فعالیت بارور باطنی است و از توجه به آن آگاهی، واکنش، تأیید و بهره‌مندی

ملاصدرا همچنین در تقسیم‌بندی دیگری معتقد است عشق‌های انسانی به دو قسم تقسیم می‌شوند: (۱) عشق حقیقی که عبارت است از دوستی با خدا و صفات و افعال او از آن جهت که وابسته به اویند؛ (۲) عشق مجازی که به دوستی با غیر خدا اطلاق می‌شود. ملاصدرا قسم اول را مبدأ و منشأ مشاکلتِ نفس عاشق با معشوق خود در جوهر ذات می‌داند و از قسم دوم به مبدأ شهوت حیوانی تعبیر می‌کند. او معتقد است که عشق مجازی خود به عشق نفسانی و عشق حیوانی منقسم می‌شود. از آن‌جا که معشوق‌ها بر حسب نظر و توجه اشخاص متفاوت‌اند و محبوب‌ها بر حسب تکثر انواع و اشخاص متکثر، بنابراین بنا بر رأی وی مهم‌ترین عشق‌های مجازی به قرار زیرند:

(۱) محبت نفوس حیوانی به نکاح و جفت‌گیری که حکمت آن بقای نسل و حفظ نوع است؛ (۲) محبت رؤسا به ریاست و حرص آن‌ها در به‌دست‌آوردن آن و تلاش در حفظش که گویی به طور غریزی در طبع و نفس آن‌ها نهاده شده است و حکمت آن طلب برتری نفس بر قوای تحت سیطره آن است؛ (۳) محبت بازرگانان و متمولان برای کسب مال و طمع بر جمع و ذخیره آن. این نیز گویا جزو طبیعت و نفوس آن‌هاست و حکمت آن مصلحت دیگران و کسانی است که بعد از آن‌ها می‌آیند؛ (۴) محبت علما و حکما بر استخراج علوم و گردآوری و نشر کتب و تحقیق برای کشف اسرار و پیچیدگی‌های آن و تعلیم متعلمین و ارائه به انسان‌های مستعد است. این هم فطری است و حکمت آن احیای نفوس و انگیزش آن‌ها از مرگ جهالت و قبر طبیعت و هشیارکردن آن‌ها از خواب غفلت و فراموشی است؛ (۵) محبت صنعت‌گران در ارائه صنایع و شوق آنان بر تکمیل و تزئین و بهترکردن آن‌هاست. این نیز غریزی به نظر می‌رسد و در آن مصلحت مردم و جامعه نهفته است؛ (۶) محبت ظرفاً و صاحبان ذوق به زیبارویان (همان: ۱۶۴-۱۸۴).

حاصل می‌آید. در حقیقت، عشق‌ورزی به معنای حیات‌بخشی، نوسازی و اعتلای شخصی است که در فضیلت‌مندی انسان اخلاقی نقشی بسیار مهم می‌تواند ایفا کند.

با لحاظ این انگاره اساسی صدرایی است که بهتر می‌شود بر اهمیت نقش «بودن» در نظام اخلاقی او واقف شد. در این جا با این‌که از مدخلی متفاوت برای این مدعا کمک گرفتیم، اما به نظر می‌رسد نمی‌توان شک داشت که این انگاره ناظر بر وضعیت «بودن» است تا عمل. اگر انگشت‌نهادن بر شواهد پیش‌گفته و تفسیر داده‌شده درست باشد پس مدعای فضیلت‌گرا بودن ملاصدرا تقویت می‌شود.

### ۳-۳- ارزشمندی ذاتی «فضیلت»

ملاصدرا خود فضیلت را سعادت می‌داند نه این‌که فقط چون وسیله یا معبری برای کسب پاداش باشد، چه دنیوی چه اخروی. انسان ملاصدرا سه قوه شهوی، غضبی و عقلی دارد؛ قوای شهوت و غضب به فساد و خونریزی دعوت می‌کنند، اما قوه عقلی به معرفت و اطاعت خداوند (همو، ۱۳۶۶: ۲/۳۱۵). بر این اساس، ملاصدرا رئوس فضائل نفسانی و اخلاق انسانی را در سه فضیلت شجاعت، عفت و حکمت می‌گنجانند و مجموع آن‌ها را «عدالت» نام می‌نهد. در نظریه اخلاق ملاصدرا فضیلت «عدالت» فی‌نفسه ارزشمند است، بدین معنی که حتی اگر شخص عادل بر طبق عدالت خویش عمل نکند از ارزش ذاتی آن هرگز کاسته نمی‌شود (همو، ۱۴۱۰: ۴/۱۱۶-۱۱۷). فضیلت و رذیلت مورد نظر وی به حالات و ملکات راسخ و ثابت در نفس مربوط می‌شوند. بنابراین از منظر ملاصدرا نفس عمل یعنی ملکه به‌دست‌آمده از عمل، خود، جزا و پاداش است. صورت انسان در آخرت نتیجه فعل فرد در دنیا است (همو، ۱۳۸۰: ۳۱۲).

با توجه به چنین تفسیری می‌توان ادعا کرد که از نظر صدرا فضیلت ارزش فی‌نفسه دارد و برخلاف نظریه‌های وظیفه‌گرا و غایت‌گرا، به فضیلت به‌منزله وسیله و معبری صرف برای دست‌یابی به سعادت نگاه نمی‌شود. بنابراین، این تحلیل می‌تواند شاهد دیگری بر فضیلت‌گرایی ملاصدرا محسوب شود.

### ۳-۴- تقدم فضیلت بر الزام و تأثیر آن در معرفت اخلاقی

ملاصدرا با تقسیم حکمت به عملی و نظری معتقد است «انسان حکیم» می‌تواند بر اساس حکمت به تشخیص خوب‌ها و بد‌ها دست یابد (همو، ۱۴۱۰: ۱/۲۱). او مراتب عقل عملی را از نظر استکمال در چهار رتبه منحصر می‌کند و چنین برمی‌شمرد:

«الأولی: تهذیب‌الظاهر باستعمال الشریعة الإلهیة و الآداب النبویة. و الثانیة: تهذیب‌الباطن و تطهیر القلب عن الأخلاق و الملكات الرذیلة الظلمانیة و الخواطر الشیطانیة. و الثالثة: تنویره بالصور العلمیة و المعارف الحقة الأیمانیة. و الرابعة: فناء النفس عن ذاتها و قصر النظر و الالتفات عن غیر الله إلی ملاحظه الربّ تعالی و کبریائه، و هی نهیة السیر إلی الله علی صراط النفس الآدمیة: اول: تهذیب ظاهر به واسطه پایبندی به احکام شریعت الهی و سنت نبوی؛ دوم: تهذیب باطن و پاک‌کردن قلب از ملکات و وسوسه‌های شیطانی؛ سوم: نورانی‌کردن نفس به علم و معارف حقیقی ایمانی؛ چهارم: فناء نفس از ذات خود و قطع نظر از غیر خدا برای توجه به سوی ربّ و عظمتش، که این نهایت سیر نفس آدمی به سوی خداست» (همو، ۱۳۸۶: ۲/۸۴۳).

به باور وی حکمت از بخشش‌های خداوند متعال است که فقط از راه سعی و کوشش حاصل نمی‌شود، بلکه به خواست و مشیت خداوند



حضرت رسول (ص) به باور صدرا معلّم همه انبیای پیشین است (همو، ۱۳۸۵: ۳۳). او بر آن است که سرور ما حضرت رسول (ص) از همگان برتر بود، زیرا تمامی قوا و نیروهایش در حد اعتدال بود، بلکه قوه روحانی در او بر قوه نفسانی غضبی و شهوی برتری داشت؛ چون شیطان‌ش به دست او تسلیم شده و اسلام آورده بود و در فیض و تابش انوار به جایی رسیده بود که خداوند او را چراغ فروزان عالم ارواح نامید، ایشان را هنگام بازگشت به آسمان‌های بلند «رفیق‌اعلی» خواند. او همچنین حضرت رسول (ص) را به خورشید نورانی آسمان و ماه روشنی‌بخش جهان تشبیه کرده و فرزندان پاک او را چون برج‌های دوازده‌گانه‌ای دانسته است و یاران ایشان را همچون ستارگان درخشنده و دوستان ایشان را چون مروارید گران‌قیمت و بسان قندیل‌های شیشه‌ای تابناک.

ملاصدرا معتقد است باطن نبوت، ولایت و ظاهر آن شریعت نام دارد. شریعت خود دارای ظاهر و باطنی است که مراتب علما در آن بسیار است؛ پس هرکس نسبتش با پیغمبر تمام‌تر و نزدیکی‌اش به روح او قوی‌تر باشد علم او به ظاهر و باطن شریعت کامل‌تر است؛ پس سزاوار پیروی است. این مراتب پایین‌تر می‌آید تا به عالمان ظاهری می‌رسد؛ در میان این عالمان خود درجاتی وجود دارد و عالم به اصل و فرع از عالم به یکی از این دو ارجح و اعلم است. به همین جهت لازم است حضرت مهدی (ع) هنگام ظهور، ناسازگاری بین احکام اهل ظاهر را برطرف کند و اجتهاد را از میان بردارد و احکام مختلف در یک مسئله را به یک حکم تبدیل کند و آئین‌ها و مذاهب گوناگون، تمامی آئین واحدی شود همان گونه که در زمان حضرت رسول (ص) بود (همو، ۱۳۸۶: ۲/۷۶۳-۷۷۵).

او بر آن است که بدون پیروی و متابعت از خاتم انبیاء، حضرت رسول (ص) و خاتم ولایت،

بستگی دارد. از آن‌جا که وی این صفت را از صفات ذاتی حق می‌داند معتقد است که خداوند انسان متخلّق را پس از طی مراحل چهارگانه بالا از علم لدنی خویش بهره‌مند می‌کند و به او حکمت و فضیلت می‌بخشد تا به واسطه آن به زندگی پاک زنده شود و از حجاب‌های دنیایی گذر کند و به خیر و فضیلت والا دست یابد (همو، ۱۳۸۰: ۳۲).

اینک با توجه به نقش مؤلفه‌های دیگری که ملاصدرا در تصمیم اخلاقی انسان منظور می‌کند می‌توان نتیجه گرفت که وی با این که نقش عقل و قواعد مستخرج از آن را جدی می‌انگارد، اما حیات اخلاقی را در چارچوب این قواعد محصور و محبوس نمی‌کند. اگر چنین تفسیری از نظام اخلاقی او درست باشد پس این خصوصیت می‌تواند گواه دیگری بر نزدیکی نظریه اخلاقی وی به فضیلت‌گرایی باشد.

### ۳-۵- نقش آفرینی قدیس اخلاقی

ملاصدرا هم به پیروی از آموزه‌های شیعی که ائمه هدی الگوی جامع و عالی فضیلت محسوب می‌شوند و هم به اتکای مبانی متافیزیکی‌اش به الگوهای برجسته فضیلت‌گرایی توجهی اساسی و فراگیر نشان می‌دهد (برای نمونه، نک: همو، ۱۳۶۶: ۲/۳۰۲). از نظر او انسان کامل از آن جهت که به صورت پروردگار آفریده شده است جامع تمام نشأت وجودی امر و خلق است و دلیل روشنی است بر پروردگارش. «انسان اخلاقی» ملاصدرا در سلوک خویش به سوی خداوند متعال می‌بایست علاوه بر تصفیه و ریاضت و تمرین، از امام معصوم (ع) پیروی کند و به حکم او گردن نهد؛ این همان راه میانه مدنظر عرفاست. بدین سبب واضح است که او راه شناخت پیغمبر (ص) و امام معصوم (ع) را همان راه بازگشت به قرآن می‌داند (همو، ۱۳۸۶: ۱/۵۰۷-۵۰۹).

واسطه نیت صورت کمال می‌پذیرند (همو، ۱۳۸۴: ۱/ ۱۲۲).

از نظر ملاصدرا نفس آدمی در هنگام رجوع به عالم آخرت حامل نتایج اعمال و افکار خود است. بدین ترتیب بر طبق درجات و نیات و اعمال هر فردی مراتب حشر و معاد و درجات لذت و آلام آن فرد تعیین می‌شود. وی معتقد است که اثر هیچ فعلی از لوح وجود نفس زایل نمی‌شود، زیرا در عالم آخرت آنچه در این عالم پنهان است، ظاهر می‌شود و تکرار اعمال نیک و بد به تدریج زمینه تجسم آن را در لوح روح فراهم می‌کند و کم‌کم روح انسانی به صورت مناسب عمل و نیت، متصور و به حقیقت واقعی آن متجسم خواهد شد (همو، ۱۳۸۱ ج: ۱۹۱). وی در جای دیگر انجام عمل نیک را مقدمه برای اصلاح حال قلب می‌داند. و چنین بیان می‌دارد:

«فاذن، فضائل الاعمال و تفاضل بعضها علی بعض، انما یکون بقدر تأثیرها فی إصلاح نفس و تصفیه القلب و تنویره» (همو، ۱۳۸۱ ب: ۷۹).

با توجه به مطالب پیش گفته، ملاصدرا معتقد است که انسان‌ها به منظور دستیابی به حیات مطلوب اخلاقی می‌بایست فضائل را هم در عرصه حالات درونی و هم در اعمال و زیست بیرونی خود محقق کنند. از این منظر، او نه تنها به نقش ساحت درون در فضیلت‌گرایی واقف است، بلکه بر نقش حیاتی و تعیین‌کننده آن در سلوک اخلاقی انسان تأکید می‌ورزد.

#### ۴- اقسام فضائل اساسی از دیدگاه ملاصدرا

همان‌طور که گفته شد انسان ملاصدرا دارای سه قوه شهوی، غضبی و عقلی است؛ قوای شهوت و غضب به فساد، اما قوه عقلی به معرفت و اطاعت خداوند دعوت می‌کند (همو، ۱۳۶۶: ۲/ ۳۱۵). ملاصدرا رئوس فضائل نفسانی و اخلاق انسانی را در سه فضیلت شجاعت، عفت و حکمت منحصر

حضرت مهدی (ع)، ذره‌ای نور یقین بر دل سالک نمی‌تابد (همو، ۱۳۸۱ الف: ۵۲). بدین ترتیب از توجه و تأکید ملاصدرا بر الگوهای عملی می‌توان به جایگاه برجسته الگوهای اخلاقی در نظام اندیشه وی پی برد.

با نگاهی به مشرب فکری و شخصیت اخلاقی ملاصدرا درمی‌یابیم که او از کنار الگوهای اخلاقی به منزله برجسته‌ترین الگوی فضیلت به‌راحتی عبور نکرده است. افقی که وی برای حیات اخلاقی مبتنی بر فضیلت ترسیم کرده به اندازه کافی اهمیت این الگوها را در نظام اخلاقی‌اش نمایان می‌کند. بنابراین می‌توان توجه و علاقه او به الگوهای اخلاق را به‌منزله شاهد دیگری بر فضیلت‌گرایی او در نظر گرفت.

#### ۳-۶- نقش ساحات درونی انسان

از نظر ملاصدرا «انسان اخلاقی» فردی نیست که صرفاً اعمال ظاهری او متصف به ارزش اخلاقی شود. وی معتقد است حقیقت احوال و اعمال بر ما روشن نیست مگر تا آن زمان که احاطه مشروح بر فعل از زمان آغاز تا مرحله عمل داشته باشیم. به باور او برای به‌ظهور رساندن یک فعل باید چهار مرحله را پشت سر بگذاریم: الف) حاضر شدن صورت علمی فعل نزد فرد؛ ب) انگیزه و میل به انجام کار؛ ج) حکم عقلی به این‌که فعل انجام گیرد؛ د) تصمیم و قطع نیت بر انجام فعل مدنظر. او بر این باور است که این قصد و آهنگ در ابتدا ضعیف است، اما اندک‌اندک محکم و به اراده‌ای قطعی تبدیل می‌شود و چون این اراده قطعی شد فعل انجام می‌گیرد. او از موارد فوق به ترتیب به «حدیث نفس»، «میل»، «اعتقاد» و «اراده» تعبیر می‌کند (همو، ۱۳۸۶: ۱/ ۳۵۶-۳۵۷). بنابراین، نیت و انگیزه عمل در کسب فضائل و اجتناب از رذائل جایگاه قابل‌اعتنایی دارد. در واقع، اعمال به

این مدعا نفوذ و پریدایی مجموع مؤلفه‌هایی است که جوانب مختلف فضیلت‌گرایی را در آرای او تقویت می‌کند. بر اساس آنچه گذشت:

(۱) ملاصدرا، مانند فضیلت‌گرایان، فضیلت را مقصد و مقصود کمال آدمی می‌داند. برای وی غایت حقیقی زندگی چیزی جز کسب جمیع فضائل نیست؛

(۲) بیشتر بر اهمیت و نقش «بودن» پای می‌فشارد تا عمل صرف؛

(۳) نزد او فضیلت ارزش فی‌نفسه دارد و برخلاف نظریه‌های وظیفه‌گرا و غایت‌گرا به فضیلت به منزله معبری برای نیل به سعادت نگاه نمی‌شود؛

(۴) با این‌که نقش عقل و قواعد مستخرج از آن در نظر وی جدی انگاشته می‌شود، اما حیات اخلاقی را در چارچوب این قواعد محصور و محبوس نمی‌داند؛

(۵) برای وی الگوها و اسوه‌های اخلاقی مدل واقعی و جذاب برای طراحی زندگی مبتنی بر فضیلت‌اند؛

(۶) و دست آخر، به باور وی برای دستیابی به حیات مطلوب اخلاقی می‌بایست فضائل را هم در عرصه حالات درونی و هم در زیست و اعمال بیرونی خود محقق کرد.

### منابع

ارسطو. (۱۳۷۸). *اخلاق نیکوماخوس*. ترجمه محمدحسن لطفی تبریزی. تهران: طرح نو. چاپ اول.

اکبری، رضا. (۱۳۸۸). «جایگاه مبانی فلسفی ملاصدرا در تبیین فضیلت‌گرایی در خانواده». مجموعه مقالات یازدهمین همایش بزرگداشت حکیم صدرالمآلهین شیرازی. تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

می‌داند و مجموع آن‌ها را «عدالت» نام می‌نهد. او معتقد است که برای هر یک از این مبادی سه‌گانه دو طرف افراط و تفریط وجود دارد که از این امور به رذیلت یاد می‌کند. وی تمامی افعال و مبادی آن‌ها را به یک ملکه و خلق بازمی‌گرداند و آن «عدالت» است. او عدالت را که در مقابل آن «جور» قرار می‌گیرد به صراط مستقیم تعبیر می‌کند، که بر سطح جهنم واقع شده است که یا موجب رد شدن از آن می‌شود و یا در حالت انحراف موجب سقوط و استحقاق عذاب جهنم می‌شود (همو، ۱۳۸۳: ۴/۲۰۵-۲۰۷).

فضیلت و رذیلت مورد نظر ملاصدرا به حالات و ملکات راسخ و ثابت در نفس مربوط می‌شود. باید توجه داشت که آنچه نظر ملاصدرا را از فلاسفه دیگر متمایز می‌کند آوردن آیات و روایات و تطبیق مباحث عقلی با آیات و احادیث است. بنابراین از منظر ملاصدرا نفس عمل یعنی ملکه به دست آمده از عمل خود پاداش و جزاست و صورت انسان در آخرت نتیجه همان فعل او در دنیا است (همو، ۱۳۸۰: ۳۱۲).

بدین ترتیب گرچه ملاصدرا در ابتدا همان نظر ارسطو را بیان می‌دارد، اما وی به همین مقدار اکتفا نکرده و همان‌جا که از فضائلی همچون ایمان، عشق، آزادی، امیدواری، تقوا، پارسایی، راست‌گویی، جود و بخشش، توکل و خوش‌قلبی یاد می‌کند گام را فراتر می‌نهد. او توضیح می‌دهد که به چه معنی و چرا می‌باید بودن هر یک از این موارد را فضیلت تلقی کرد که بیان آن بیرون از این مجال است.

### بحث و نتیجه‌گیری

جست‌وجوی مؤلفه‌های اخلاق فضیلت در آرای ملاصدرا نشان می‌دهد از میان نظریه‌های فلسفه اخلاق، «فضیلت‌مداری» به شکل بارزتری در نظام اخلاقی وی ریشه‌دار شده است. گواه روشن بر

- پینکافس، ادموند. (۱۳۸۲). *از مسئله محوری تا فضیلت‌گرایی*. ترجمه حمیدرضا حسنی و مهدی علی‌پور. قم: دفتر نشر معارف.
- خزاعی، زهرا. (۱۳۸۰). «اخلاق فضیلت‌مدار». *نامه مفید*. ش ۲۸. صص ۵۰-۵۵.
- شهریاری، حمید. (۱۳۸۵). *فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک ایتنایر*. تهران: سمت.
- فرانکنا، ویلیام. کی. (۱۳۷۶). *فلسفه اخلاق*. ترجمه هادی صادقی. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- مرداک، آیریس. (۱۳۸۷). *سیطره خیر*. ترجمه شیرین طالقانی. تهران: نشر شور.
- ملاصدرا. (۱۳۶۴). *المظاهر الإلهیه*. ترجمه سیدحمید طیبیان. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم*. جلد ۶. قم: بیدار.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *اسرار الآیات*. ترجمه و تعلیق محمد خواجوی. تهران: مولی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰). *الحکمة المتعالیه فی الاسفار الأربعة العقلیه*. ج ۹. بیروت: دار الإحیاء التراث العربیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱ الف). *رسالة سه اصل*. تصحیح و تحقیق و مقدمه سیدحسین نصر. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱ ب). *کسر اصنام الجاهلیه*. تصحیح و تحقیق و مقدمه محسن جهانگیری. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱ ج). *شرح بر زاد المسافر*. تحقیق سیدجلال‌الدین آشتیانی. قم: بوستان کتاب. چاپ سوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱ د). *المبدأ و المعاد*. تصحیح و تحقیق و مقدمه محمد ذبیحی و جعفر شاه‌نظری. ۲ جلد. قم: بوستان کتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). *الشواهد الربوبیه*. تصحیح و تحقیق و مقدمه مصطفی محقق داماد. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). *شرح الأصول الکافی (باب العقل و الجهل)*. ۴ جلد. تصحیح و تحقیق و مقدمه رضا استادی. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین*. تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی. تهران: حکمت. چاپ سوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). *مفاتیح الغیب*. ۲ جلد. تصحیح و تحقیق و مقدمه نجفقلی حبیبی. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- هولمز، ال. رابرت. (۱۳۸۵). *مبانی فلسفه اخلاق*. ترجمه مسعود علیا. تهران: ققنوس. چاپ سوم.
- Hooft, Stan Van. (2006). *Understanding Virtue Ethics*. Chesham [U.K.]: Acumen.
- Swanton, Christine. (2003). *Virtue Ethics, A Pluralistic View*. Oxford: Oxford University Press.

## فرم اشتراک

علاقه‌مندان به اشتراک دوفصلنامه علمی - پژوهشی «حکمت صدرایی» می‌توانند فرم زیر را تکمیل و به همراه فیش بانکی به مبلغ ۴۰/۰۰۰ ریال (به‌حروف چهل هزار ریال) بابت اشتراک سالانه نشریه، به شماره حساب: ۲۱۷۸۶۰۹۰۰۱۰۰۷ نزد بانک ملی ایران، شعبه بنفشه تهران، به دفتر مجله ارسال نمایند.

نام: .....

نام خانوادگی: .....

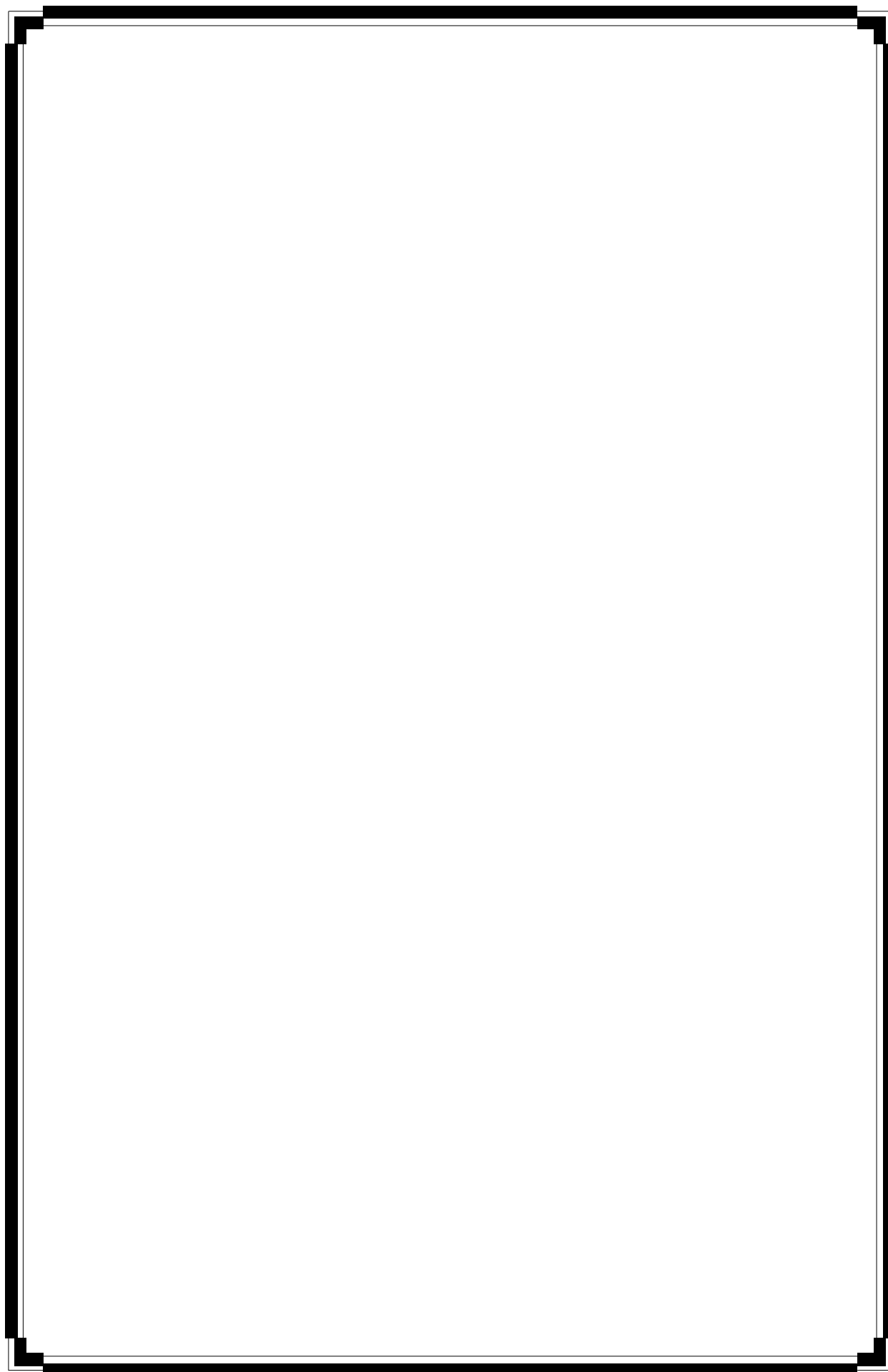
نشانی: .....

کدپستی: .....

شماره تلفن ثابت: .....

شماره تلفن همراه: .....

«رونوشت فرم قابل قبول است»



Biannual Research Journal  
**SADRĀ'I WISDOM**

Vol. 3, No. 1, Autumn - Winter 2015

**Contents**

- ▣ **Secondary Intelligibles in Suhrawardi's and Allameh Tabatabaei's Views / 9**

*Asadollah Azhir & Masoumeh Sourni*

- ▣ **Mulla Sadra on "divine metempsychosis" / 25**

*Seyed hasan bathayi*

- ▣ **The comparison of Bacon and Mulla Sadra's viewpoints about obstacles of knowledge / 39**

*Zohreh Tavaziany & Fatemeh Torkashvand*

- ▣ **Existence of Quiddity in Mulla Sadra's Philosophy / 55**

*Mohammad Hoseinzadeh*

- ▣ **The Ontological status of expanded grace in Transcendent Philosophy / 69**

*Seyyed morteza hoseini shahrudi & Fatemeh estesnaee*

- ▣ **Redefinition of philosophical concepts on the basis of Sadra's doctrine of personal unity of existence / 85**

*Ebrahim rastian & Hosein hooshangi*

- ▣ **Rereading Mulla Sadra's Ethical Theory on the Basis of Contemporary "Virtue Ethics" / 97**

*Reza Rezazadeh & Parichehr Miri*

- ▣ **Knowledge and Mental Existence; A Pluralist Interpretation of Mulla Sadra's View / 109**

*Mohammad Saeedimehr*

- ▣ **Sadraian Monism / 125**

*Reza Safari Kandsari & Hussain valeh*



**PAYAME NOOR  
UNIVERSITY**



Imam Sadiq  
University



University  
of Allamah  
Tabatabai



Iranian  
Institute of  
Philosophy



AL-Zahra  
University



University  
of Qom



University  
of Isfahan

ISSN:

**2322-1992**

IN THE NAME OF ALLAH  
THE MERCIFUL, THE COMPASSIONATE

Biannual Research Journal

# SADRĀ'I WISDOM

Vol. 3, No. 1, Autumn - Winter 2015



PAYAME NOOR  
UNIVERSITY

## Editorial Board of This Issue (In Alphabetical Order)

*Ali Reza Azhdar*

Associate Prof of Payame Noor University

*Ali Afzali*

Associate Prof of Iranian Institute of Philosophy

*Reza Akbari*

Prof of Imam Sadiq University

*Sayyed Mahdi Emamjomeh*

Associate Prof of University of Isfahan

*Zohreh Tavaziani*

Associate Prof of Al-Zahra University

*Mohammad Zabihi*

Associate Prof of Qom University

*Saeed Rahimian*

Associate Prof of Shiraz University

*Mohammad Saeedi Mehr*

Associate Prof of Tarbiat Modarres University

*Mohammad Ali Abbasian Challeshtori*

Associate Prof of Payame Noor University

*Sayyed Ali Alamolhoda*

Associate Prof of Payame Noor University

*Amir Abbas Alizamani*

Associate Prof of Tehran University

*Hossein Kalbasi Ashtari*

Prof of Allameh Tabatabai University

## Publisher

PAYAME NOOR  
UNIVERSITY

## Responsible Editor

Dr. Alireza Azhdar

## Editor in Chief

Dr. Reza Akbari

## Managing Director

Amirhosien  
Mohammadpoor

## Editor

Zohreh Fathi

## Journal Expert

Reza Shokrollah Beygi

Publications Group - Tehran Payame Noor University - No:  
233, Sepand Corner - Nejatollahi st. - Karim Khan Zand st.

Tehran - Tel. 88940006

<http://pms.journals.pnu.ac.ir>